

پژوهشی در تأثیر اندیشه‌های دینی در فرم و کارکرد قفل‌های دوره قاجار

سکینه خاتون محمودی / استادیار گروه مرمت آثار تاریخی دانشگاه زابل / mahmoodi.s.k@gmail.com
سیدابوتراب احمدپناه / استادیار دانشگاه تربیت مدرس / ahmadp_a@modares.ac.ir
تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۱۱/۱۱ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۸/۰۹/۰۷

چکیده

اشیاء که در زندگی عادی مردم، مبتنی بر نوعی عقلانیت ابزاری هستند، گاه در زندگی روزمره، از جایگاه و کارکرد معمول خود فراتر رفته، کاربرد و جایگاه فرهنگی و مرتبط با جهان ماوراء پیدا می‌کنند. قفل‌ها از جمله اشیا هستند که در فرهنگ ایرانی، با تأثیر از فرهنگ و اعتقادات اسلامی و به ویژه مذهب تشیع کارکرد اعتقادی یافته‌اند. در این تحقیق که با هدف شناخت تأثیر ایدئولوژی و مذهب بر فرهنگ مادی دوره قاجار و به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته، تلاش گردیده است تا با مطالعه جایگاه و کارکرد قفل‌ها در زندگی مردم دوره قاجار، به موضوع چگونگی تأثیرگذاری مذهب بر ساختار ظاهری و کارکرد اعتقادی قفل‌های این دوره پرداخته شود. نتیجه این بررسی، ضمن این که نشان از تأثیر مستقیم مذهب تشیع و اعتقادات اسلامی بر فرهنگ مادی دوره قاجار دارد، تأثیر مستقیم باورهای عامیانه در شیوه کاربرد و طراحی قفل‌های این دوره را نیز نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ مادی، مذهب تشیع، قفل، دوره قاجار.

مقدمه

امروزه در مطالعات تاریخی و فرهنگی، اشیاء و تصاویر نیز هم‌چون متن‌های نوشتاری، به عنوان منابع اطلاعاتی شناخته می‌شوند. منابعی که نه تنها در تکمیل اطلاعات به دست آمده از منابع نوشتاری اهمیت دارند، بلکه قادر به دادن اطلاعاتی هستند که نویسندگان متن‌های تاریخی قادر به بیان آن‌ها نبوده‌اند. پژوهش‌گران با در نظر گرفتن اهمیت فرهنگی و تاریخی اشیاء و تصاویر، تلاش می‌کنند تا به شناخت و فهم فضاهای فکری مسلط بر بافت تاریخی و فرهنگی دست یابند که در شکل‌گیری این آثار دخیل بوده و ساختار اندیشه مردم را تشکیل داده‌اند. این آثار هم‌چنین می‌توانند هویت و وابستگی‌های گروهی را نمایش دهند. خوانش این آثار وقتی اهمیت بیشتری می‌یابد که گروه‌های اجتماعی مشخص از آن‌ها استفاده می‌کنند. بررسی اجمالی فرهنگ مادی شیعیان، نشان از علاقهٔ پیروان این مذهب به کاربرد اشیایی دارد که بازتاب باورها و فرهنگ مذهبی آن‌هاست؛ فرهنگی که در گسترهٔ زمان شکل گرفته و با باورداشت‌های مذهبی عامهٔ مردم عجین گردیده است.

رویکرد علمای دوره صفوی به گسترش شعائر شیعی که با اهتمام شاهان این سلسله در برگزاری هرچه بیشتر مناسک و آیین‌های شیعی همراه بود، در دورهٔ قاجار گسترش یافت و به نفوذ هرچه بیشتر این آیین‌ها در فرهنگ عامه انجامید. پیامدهای فرهنگی و ملموس این امر که در ابتدا با ساخت تکیه‌ها و اجرای مراسم تعزیه آغاز شد، به تدریج دامنهٔ گسترده‌تری یافت و به ترویج مراسم‌های عامه‌پسندی هم‌چون: «چهل و یک منبر»، «شمایل‌گرایی»، «قفل‌زنی» و نظایر آن انجامید و حتی کار تا جایی پیش رفت که انجام دادن بسیاری از این مناسک، به نوعی ضرورت مذهبی و اجتماعی تبدیل شد؛ ضرورتی که شرکت در این مناسک و تهیه لوازم آن را به یک وظیفهٔ عرفی برای شیعیان تبدیل کرد. بدین ترتیب، علاوه بر روحانیان، تعزیه‌گردان‌ها و روضه‌خوان‌ها، حضور سایر صاحبان حرف از جمله صنعت‌گران نیز برای برپایی مراسم ضرورت یافت. اهتمام صنعت‌گران در ساخت وسایل گوناگون تعزیه و عزاداری، دامنهٔ کاربرد اشیاء روزمره‌ای هم‌چون: صندوق، چلچراغ، قاب آئینه و قفل را نیز به این آیین‌ها کشانده، به کاربرد هر چه بیش‌تر نمادها و ادعیهٔ شیعی در برخی لوازم و اشیاء روزمره انجامید.

در این پژوهش که با هدف شناخت تأثیر باورداشت‌های مذهبی - اسلامی و شیعی بر فرهنگ مادی شیعیان انجام پذیرفته، تلاش گردیده تا با مطالعه موردی «قفل» به عنوان یکی از عناصر مادی رایج در فرهنگ اسلامی - شیعی، به تأثیر عقاید مذهبی شیعه، بر شیوه طراحی قفل و مناسک مرتبط با آن در دوره قاجار پرداخته شود. بنابراین با فرض این که باورداشت‌ها و عقاید اسلامی - شیعی بر فرهنگ مادی دوره قاجار تأثیر مستقیم داشته است، تلاش می‌گردد تا بدین پرسش اساسی پاسخ داده شود که مذهب تشیع چگونه توانسته است بر ساختار ظاهری و کارکرد اعتقادی قفل‌های رایج در دوره قاجار تأثیر بگذارد؟

روش تحقیق

روش کار در این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی بوده، جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. برای یافتن نمونه‌های قفل، بررسی گسترده‌ای در مجموعه‌های آنلاین موزه‌های سراسر دنیا از جمله موزه‌های اشمولن (Ashmolean)، بریتانیا (British)، فریر و ساکسر گالری (Freer & Sackler Gallery)، موزه هاروارد (Harvard)، موزه ارمیتاژ (Hermitage) و موزه متروپولیتن (Met museum) انجام گردید. هم‌چنین از موزه‌های آستان قدس رضوی، آستانه قم، موزه شاه عبدالعظیم علیه السلام، موزه کاخ گلستان، موزه ملک، موزه مقدم، موزه رضا عباسی و موزه هنر اسلامی، بازدید شد، اما به علت کمی نمونه‌های شناسنامه‌دار در موزه‌ها و دیگر مراکز فرهنگی، نمونه‌های مورد بررسی از بین آثار ارائه شده در کتاب *قفل‌های ایران* تناولی (۱۳۸۶ الف) و مجموعه *هنر اسلامی (بزارآلات علمی) خلیلی* (۱۳۸۷) انتخاب شده‌اند که از میان حدود ۱۵۰ قفل، با حذف نمونه‌های تکراری، بدون تاریخ، مشکوک و مخدوش، حدود صد قفل باقی ماند. بر اساس فرضیه و سؤالات تحقیق و با توجه به تنوع موجود در شیوه طراحی قفل‌ها، از بین آثار موجود، نمونه‌هایی انتخاب شدند که دارای زمینه اسلامی - شیعی بودند و به لحاظ صوری، با موضوع این پژوهش تناسب داشتند. بر این اساس، از بین قفل‌های باقی‌مانده، سی

نمونه انتخاب گردید که به تناسب محتوای این مقاله، تصویر تعدادی از این آثار در متن گنجانده شده است. برای رسیدن به پاسخی مناسب با سؤال اصلی این پژوهش، نمونه‌های مورد بررسی، به روش طبقه‌بندی خوشه‌ای در سه بخش: روایت‌ها، نمادها و کدها دسته‌بندی شدند. تحلیل این آثار، بر مبنای رویکرد فرهنگی جفری الکساندر (Jeffrey Alexander) و فیلیپ اسمیت (Philip Smith) انجام گردیده که مبتنی بر خوانش معانی اجتماعی از طریق نمادها، کدها و روایت‌هاست؛ یعنی رویکردی که با ترکیب و تفسیر برخی از آراء دورکیم، پدیدارشناسی و جامعه‌شناسی به همراه نشانه‌شناسی شکل گرفته و می‌کوشد تا ساختار فرهنگ را توضیح دهد. (Alexander, 2005, P. 22) این مقاله در دو بخش اصلی تدوین گردیده است. بدین ترتیب که در بخش اول، موضوع تأثیر مذهب تشیع بر فرهنگ مادی دوره قاجار شرح داده می‌شود و در بخش دوم، پیوست صوری و فرهنگی مذهب تشیع بر شکل قفل‌های دوره قاجار تشریح می‌گردد.

پیشینه تحقیق

پژوهشی مشابه در مورد فرهنگ مادی شیعیان در دوره قاجار مشاهده نشد. کتاب هنر و فرهنگ مادی تشیع ایرانی (Khosronejad, 2012)، از نخستین پژوهش‌های مکتوب و منتشر شده در زمینه فرهنگ مادی تشیع است که شامل مجموعه مقالاتی در مورد اشیاء و آثار مورد استفاده توسط شیعیان است، اما هیچ‌یک از مقالات نوشته شده در این مجموعه، از نظر موضوع و محتوا، قابل انطباق بر موضوع مقاله حاضر نیست. کتاب قفل‌های ایران (تناولی، ۱۳۸۶ الف) نیز یکی از مشهورترین آثار در مورد قفل است که در آن صرفاً به معرفی قفل‌های تاریخی ایران پرداخته شده و تحلیلی صورت نگرفته است. این مقاله از حیث پرداختن به فرهنگ مادی دوران قاجار و مطالعه موردی قفل به عنوان یکی از اشیاء زندگی روزمره، پژوهشی نو محسوب می‌شود.

۱. مبانی نظری

تاکنون تعاریف مختلفی از فرهنگ شده، اما یکی از معروف‌ترین تعاریف‌ها، تعریف ادوارد تایلور است. از نظر وی، «فرهنگ کل پیچیده‌ای شامل دانش، باور، هنر، اخلاقیات، قانون، آداب و رسوم و هر قابلیت و عادت دیگری است که توسط انسان به مثابه عضوی از جامعه کسب می‌شود» (Taylor, 1985, P. 1) فرهنگ مادی، بخشی از فرهنگ است که دربرگیرنده اشیاء و وجه مادی زندگی انسان‌هاست. به همان اندازه که حضور فیزیکی اشیاء در زندگی مردم اهمیت دارند، از نظر سمبولیک نیز حاوی معانی متفاوت و گسترده‌ای هستند. به گونه‌ای که می‌توان هدف از طراحی بسیاری از آن‌ها را ایجاد معانی خاص در سیستم روابط اجتماعی دانست. رویکردهای فرهنگی که بر معانی فرهنگی اشیاء تأکید دارند، یکی از مهم‌ترین جریان‌های رایج در مطالعه فرهنگ مادی هستند. از مشهورترین شخصیت‌های این جریان، به امیل دورکیم و مارسل موس، پی‌یر بوردیو، جفری الکساندر و فیلیپ اسمیت می‌توان اشاره کرد. (Woodward, 2007, P. 3)

این مقاله، بر مبنای روش تحلیلی جفری الکساندر و فیلیپ اسمیت، از مشهورترین نظریه‌پردازان و جامعه‌شناسان معاصر، تدوین شده است. عمده‌ترین مزیت طرح الکساندر و اسمیت نسبت به سایر شیوه‌ها، توجه به ترکیب و تلفیق نظریه‌هاست که چارچوب روش‌شناختی جامعی را برای مطالعه فرهنگ فراهم می‌کند. ارائه شیوه‌ای روش‌مند و جامع برای تحلیل نمونه‌ها، از دیگر مزایای این رویکرد است که می‌تواند در حوزه هنر اسلامی قابل استفاده باشد. «برنامه قوی در جامعه‌شناسی فرهنگی: عناصر یک هرمنوتیک ساختاری»، از بنیادی‌ترین کارهای الکساندر و اسمیت است که در آن به توضیح مبانی فکری خود پرداخته‌اند. از خلال مطالعه این نوشتار و سایر پژوهش‌های الکساندر و اسمیت، می‌توان شاخص‌ترین وجوه تفکر آن‌ها را که مناسب این پژوهش است، بدین شرح بیان کرد:

- «خودآیینی یا استقلال نسبی فرهنگ»: منظور از خودآیینی فرهنگ، جداسازی تحلیلی و دقیق فرهنگ از ساختار اجتماعی است. الکساندر و اسمیت در مطالعات خود، فرهنگ را به عنوان علت نگاه می‌کنند، نه اساساً به عنوان انعکاسی از زندگی اجتماعی. (فخرایی، ۱۳۸۸، ص ۴۵)

- «توصیف ژرف»: الکساندر و اسمیت با تأکید بر استقلال نسبی فرهنگ، به تبیین ویژگی‌ها یا اصول روش‌شناختی خود می‌پردازند. اصل اول در این برنامه، بازسازی قوی و متقاعدکننده متن اجتماعی است و آنچه برای این امر مورد نیاز است، «توصیف ژرف» گیرتزی از رمزگان، روایت‌ها و نمادهایی است که شبکه‌ها و تارهای بافته‌شده معنای اجتماعی را به وجود می‌آورند. (Alexander & Smith, 2006, P. 13) منظور از توصیف ژرف گیرتزی، در واقع روشی است که در آن معنا از طریق ارجاع به زمینه فرهنگی گسترده‌تر قابل فهم می‌گردد. گیرتزی وظیفه یک پژوهشگر را «یافتن معانی» از ورای آنچه مردم انجام می‌دهند، می‌داند؛ یعنی کشف دلالت یا معناداری همه زندگی و تفکر آن‌ها درباره آیین‌ها، ساخت‌ها و عقاید. الکساندر و اسمیت نماد، رمزگان و روایت را به عنوان ساختارهای فرهنگ می‌شناسند و بر این باورند که اگر از نماد، رمزگان و روایت مربوط به یک پدیده توصیف ژرف به عمل آید، معنای اجتماعی آن پدیده روشن خواهد شد.

- «شیء فرهنگی»: گیرتزی در تحلیل‌های خود، با در نظر گرفتن فرهنگ مادی به عنوان یک مؤلفه شاخص، تعریف گسترده‌تری را از فرهنگ عرضه کرد. از نظر او کالاهای مادی می‌توانند جنبه‌ای از فرهنگ باشند، اما فقط هنگامی که معنایی به آن‌ها نسبت داده شود. (هال و جونیتس، ۱۳۹۰، ص ۳۶۰) یک پدیده، ذاتاً دنیوی یا مقدس نیست، بلکه زمانی یکی از این دو ویژگی را پیدا می‌کند که مردم یا برای آن پدیده ارزش فایده‌آمیز قائل شوند و یا برعکس، صفات ذاتی‌ای را به آن نسبت دهند که به ارزش وسیله‌ای‌اش هیچ ارتباطی نداشته باشد. (کوزر، ۱۳۸۳، ص ۱۹۸)

- «کدهای نمادین خیر و شر»: الکساندر با الهام از دوگانۀ لاهوتی / ناسوتی دورکیم، طرح تحلیلی خود را گسترش داده، می‌گوید: «فرهنگ باید به عنوان نظامی از کدهای نمادین درک شود که خیر و شر را مشخص می‌کند». (Alexander & Smith, 1993, P. 196) تقسیم جهان به دو حوزه، یکی دربردارنده همه چیزهای لاهوتی و دیگری دربردارنده همه چیزهای ناسوتی، خط تمایزی است که اندیشه دینی را از اندیشه‌های دیگر جدا می‌کند. (دورکیم، ۱۳۸۳، ص ۴۹) بنابراین هر آنچه را در زمینه دسترس و نفوذ این امور مقدس باشد، دربرمی‌گیرند و حیطة مکانی و زمانی و عناصر مادی و انسانی وابسته به خودشان را دائم یا مقطعی، و هنگام مناسک، خصلتی قدسی و لاهوتی می‌بخشند.

۲. مذهب تشیع و فرهنگ مادی دوره قاجار

گسترش عامه‌گرایی در مذهب تشیع، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های دوره قاجار بود. دخیل بستن به مکان‌ها و اشیاء مقدس و شمع روشن کردن در مراسم مذهبی یا مکان‌هایی مثل تکیه‌ها و سقاخانه‌ها را از مظاهر این دین‌داری عامه می‌توان برشمرد که بیش از همه در مناسک زیارت و عزاداری نمود یافته‌اند.

پیش از آن، تلاش علمای صفوی برای گسترش و نفوذ مذهب تشیع در میان عامۀ مردم، بیش از همه بر گسترش شعائر شیعی متمرکز بود. نقش انکارناپذیر علامه محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۱ ق / ۱۰۷۸ م) در گشودن بابی در مورد زیارت و عزاداری، باعث رونق این آیین‌ها شد. از نظر مجلسی، بدیهی بود که این مناسک نیازی به تأمل و خردورزی ندارند؛ از آن حیث که مؤمن معتقد باید به آن چیزی عمل کند که از ائمه رسیده است. (آبادیان، ۱۳۸۹، ص ۱۴۸) از این رو، این مناسک به فرد شیعی «فرا داده» می‌شوند؛ یعنی مؤمن شیعی هرگز به ماهیت و علل آن نمی‌اندیشد و تردیدی در مورد آن‌ها روا نمی‌دارد، بلکه از آن رو به انجام دادن این سنت‌ها و مناسک می‌پردازد که خود را در جایگاه یک فرد شیعه موظف به انجام دادن آن‌ها می‌داند. (همان، ص ۱۴۴) نوشته‌های علامه مجلسی در باب

زیارت قبور و ذکر مصائب در عزاداری‌های مذهبی، نقش مؤثری در پررنگ کردن آیین‌های سوگواری داشت. تأکید وی بر این موضوع و اهتمام علما در ترویج این امر، چنان در ذهن و زندگی مردم نفوذ کرد که هر مسلمان شیعی، خود را بی‌تردید موظف به انجام دادن این مناسک می‌دانست.

مناسکی که با اهتمام شاهان صفوی و قاجار و همراه با اقبال عامه مردم روزه‌روز گسترش یافت. شاهان صفوی با ابزارمند کردن این مراسم با استفاده از وسایلی هم‌چون: «علم»، «کتل»، «توغ» و «بیرق»، شیوه جدیدی از عزاداری را رواج دادند؛ شیوه‌ای که به گمان برخی، متأثر از آیین‌های سوگواری مسیحیان آن روزگار در سالروز شهادت مسیح بود. شکل صلیب‌گونه علم و کتل، گاه به عنوان شاهی بر این مدعا ذکر می‌شود. (صفت‌گل، ۱۳۸۱، ص ۱۳۶) علاوه بر آن، از این دوره آیین‌هایی مثل «تیغ‌زنی»، «قمه‌زنی» و «قفل‌زنی» نیز رواج یافت. میراث علما و شاهان صفوی، در زمینه گسترش شعائر شیعی، با استقبال علما و شاهان قاجار وارد مرحله تازه‌ای شد. مراسم زیارت و عزاداری در دوره قاجار چنان رونق گرفت و در اخلاق اجتماعی مردم اثر گذاشت که باید آن را دوره جدیدی از گسترش تشیع عامه‌گرا بدانیم.

تأثیر نفوذ آیین‌های مذهبی بر فرهنگ عامه که به گسترش متقابل باورداشت‌های عامه در این آیین‌ها و مناسک انجامید، همه ابعاد زندگی ایرانیان آن روزگار و از آن جمله فرهنگ مادی را تحت الشعاع خود قرار داد. سنت حرفه‌ای صنعت‌گران مسلمان مبنی بر تزئین اشیاء و آثار با نوشته‌ها و نمادهای اسلامی که دایره نفوذ خود را در طول قرن‌ها، بر آثار شیعی نیز گسترده بود، در دوره قاجار فزونی گرفت. استفاده روزافزون از ادعیه و نمادهای اسلامی - شیعی به همراه نمادهای اساطیری کهن، بر روی آثار مختلف از نتایج این امر بود. گسترش این موضوع را می‌توان با حضور صاحبان حرف و مشاغل در برگزاری آیین‌های عزاداری در ارتباط دانست. کار ویژه هریک از این دسته‌ها عبارت بود از: سینه‌زنی، زنجیرزنی، شبیه‌گردانی، قمه‌زنی، جریده‌کشی و به دوش کشیدن علم، کتل و

محمل‌هایی هم‌چون: حجله، صندوق، نخل، چلچراغ، قاب آینه و نظایر آن. غیر از کشش عزای جمعی، هریک از وسایلی که در این دسته‌ها حمل می‌شد، برای صنعت‌گران، اهل حرفه و پهلوانان آن قدر جذابیت داشت که آنان را به خدمت بی‌دریغ در این کار گروهی بکشاند. بدین ترتیب فرهنگ عزاداری و تعزیه‌گردانی، فضای برزن و بازار را پر کرد. آهنگران یکی از مهم‌ترین اصناف مشغول در این مراسم بودند که بنابر فتوت‌نامه صنفی، مشاغلی هم‌چون: قفل‌گری، مس‌گری، شمشیرگری، میخ‌گری و نظایر آن را شامل می‌شد. (افشار، ۱۳۸۹، ص ۱۱-۱۲)

تأثیر مکاتب فتوت و جوانمردی در برگزاری آیین‌های عزاداری، از آن رو اهمیت دارد که این گروه‌ها علاوه بر آن‌که وارث بسیاری از سنت‌های ایرانی و شرقی و واسطه انتقال آن‌ها به فرهنگ اسلامی بودند، شأن اجتماعی چشم‌گیری نیز میان مردم کوچه و بازار داشتند (مشهدی نوش‌آبادی، ۱۳۹۶، ص ۱۸) و حضور آن‌ها در مراسم عزاداری، با گسترش آیین‌هایی هم‌چون: سقایی، توغ‌برداری، قفل‌زنی و نظایر آن، در ارتباط بود، (همان، ۱۳۹۶) مراسمی که می‌توانست با نوع فعالیت حرفه‌ای اصناف ارتباط مستقیمی داشته باشد.

۳. پیوست صوری و فرهنگی مذهب تشیع بر قفل‌های دوره قاجار

در بررسی پیوست صوری و فرهنگی مذهب تشیع بر قفل‌های دوره قاجار، در سه بخش بدین مسأله پرداخته می‌شود:

الف. بُعد فرهنگی

قفل در فرهنگ ایرانی - شیعی و اسلامی، به مثابه نوعی نشانه در نظام مناسکی و آیینی به کار می‌رود. اما کاربردهای قفل در زندگی روزمره مردم که مبتنی بر نوعی عقلانیت ابزاری است، کم‌تر مجال پرداختن به باورهایی را داده که از این وسیله، به عنوان نوعی ابزار فرهنگی عالی و مؤثر در زندگی اجتماعی سود جستند. باورهایی که در خرد جمعی

جایگاه منحصر به فردی به این شیء بخشیده و بازگو کننده کدها و روایت‌هایی است که قفل را هم‌چون شیئی نمادین، به نحوی گسترده با باورهای کهن اساطیری و مذهبی پیوند داده است. برای درک این پیوندها و مناسبات، در ادامه، ابتدا جایگاه قفل در زندگی مردم بررسی شده، سپس ویژگی‌های فرمی آن‌ها تحلیل می‌شود.

دو کارکرد عمده را برای قفل می‌توان در نظر گرفت:

۱. **محافظت:** در گذشته نیز مانند امروزه، مهم‌ترین استفاده قفل، نگه‌داری بود و قفل از ضروریات زندگی محسوب می‌شد. جنس و شیوه طراحی قفل‌ها از نظر شکل، اندازه و جنس، به نوع کاربرد آن در موارد مختلف و سلیقه و مکتب سفارش‌دهنده بستگی داشت. مهم‌ترین قفل‌های مورد استفاده برای این منظور، قفل‌های استوانه‌ای بودند که معمولاً استحکام خوبی داشتند.

۲. **کارکردهای مناسکی و آیینی:** محوری‌ترین باور رایج در مورد قفل در میان عامه، اعتقاد به تأثیر جادویی گره و جادو کردن با «گره‌زنی» است. این موضوع جایگاه ویژه‌ای در بیشتر فرهنگ‌ها داشته و برخی بر این باورند که گشوده شدن هر چیز بسته، به گشایش بخت و نیک‌بختی انسان کمک می‌کند. (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۳، ص ۸۴) دیرپایی و دیرپایی این باور، به حدی است که بازتاب آن را در بسیاری از آیین‌ها از جمله: گره زدن سبزه در روز سیزده‌به‌در و آثار ادب فارسی نیز می‌توان یافت. فخرالدین اسعد گرگانی در مثنوی ویس و رامین، بر افسون کردن شاه مؤبد با بستن دو طلسم با آهن به یک‌دیگر و نمان کردن آن اشاره کرده است. (فخرالدین اسعد گرگانی، ۱۳۴۹، ص ۱۱۰) وجود «گره» یا «بستگی» در زندگی، کسب و کار، بیماری و نظایر آن که پیوند مفهومی انکارناپذیری با قفل دارد، سبب گسترش آیین‌هایی در میان عامه برای ایجاد گشایش در این امور شده است.

کارکرد محافظتی قفل در مقابل حوادث بد، باور دیگری است که در فرهنگ عامه رواج داشته و دارد. «قفل نظر قربانی» که برای محافظت به کار می‌رفت (تصویر شماره ۱) نمونه‌ای از این قفل‌هاست که بر روی آن آیه «و ان یکاد...» درج شده است. روی این‌گونه

قفل‌ها انواع دعاها، اعداد، حروف ابجد و نوشته‌های مذهبی حک می‌شد. این قفل‌ها معمولاً به لباس صاحب آن، سنجاق می‌گردید و یا با بندی روی سینه قرار می‌گرفت. این‌گونه قفل‌ها اغلب از فولاد یا نقره ساخته می‌شدند (تناولی، ۱۳۸۶ الف، ص ۱۵) و استفاده از آن‌ها برای کودکان و زنان باردار عمومیت داشت. برای محافظت زنان باردار از خطر سقط جنین، قفل با بندی به دور کمر زن گره زده می‌شد که در این گونه موارد با اجرای مراسم آیینی خاصی نیز همراه بود. هفت بار خواندن سوره یاسین، از ضروریات انجام دادن این مراسم بود. (هدایت، ۱۳۷۸، ص ۳۹) استفاده از قفل به عنوان شیئی جادویی برای محافظت از روابط عاشقانه نیز رایج بود. در این گونه موارد، نوشته‌ها و نقوش خاصی بر روی قفل حک می‌شد. یکی از معروف‌ترین تصاویر در این زمینه، تصویر زوجی بود که با شادمانی در کنار هم نشسته‌اند. (تناولی، همان، ص ۱۶)



تصویر ۱: قفل برنجی نظر قربانی، قرن ۱۹: مأخذ: (تناولی، ۱۳۸۶ الف، ص ۱۴۱).

حاجت‌طلبی با دخیل بستن به اماکن مذهبی، از دیگر باورهای رایج در این زمینه است. بستن قفل، باریکه‌های پارچه‌ای و قیطان‌های نخ‌ی به ضریح ائمه و امام‌زادگان شیعی و سقاخانه‌ها در بین مردم عمومیت داشت. نذر کردن قفل برای گرفتن حاجت نیز از سایر

آداب رایج بین زائران بود و بسته به تمکن سفارش‌دهندگان، از فلزات مختلفی مثل طلا، نقره یا فولاد تهیه می‌شد. (تناولی، ۱۳۸۶ الف، ص ۱۸) «پنجره فولاد» در حرم امام رضا علیه السلام، یکی از مکان‌هایی است که قبلاً بستن قفل در آنجا مرسوم بود. علاوه بر آن، گره زدن دخیل به علم‌ها و کتل‌های مراسم عزاداری روز عاشورا نیز در بین مردم رواج داشت. از دیگر سنت‌های متداول در این زمینه، می‌توان به دخیل بستن به درختان مقدس اشاره کرد که در مناطق روستایی و عشایری رایج بود و تا به امروز نیز تداوم یافته است. (شاملو، ۱۳۷۷، ص ۴۵۹۴)

قفل‌ها در بعضی موارد نیز کاربرد درمانی داشتند؛ از جمله قفلی که به بلقیس (ملکه سبا) منتسب بود و برای درمان نازایی استفاده می‌شد. (شاملو، ۱۳۷۷، ص ۵۳۴۵-۵۳۴۶: ذیل قفل بلقیس) علاوه بر قفل، کلید نیز در باورهای عامیانه جایگاه خاصی داشت. کلید اغلب همراه با جام‌های برنجی موسوم به «جام چهل کلید» استفاده می‌شد. (تصویر ۲ و ۳)



تصویر ۲: چهل کلید، مأخذ: (تناولی، ۱۳۸۶ ب، ص ۷۹).



تصویر ۳: جام چهل کلید، دوره قاجار، مأخذ: (موزه مردم‌شناسی کاخ گلستان).

بر روی هر یک از این کلیدها، کلمه‌ای قدسی و بر بدنه ظرف، به صورت سرتاسری، آیاتی از قرآن به ویژه آیه‌الکرسی، نام‌های ائمه، ادعیه و در برخی از موارد صور فلکی نیز حک می‌شد. این ظروف معمولاً کاربردهای پزشکی داشتند، اما کاربردهای غیردرمانی نیز برای آنها ذکر شده است؛ از جمله: ایمنی شخص استفاده‌کننده، افزایش رزق و برکت معاش، شست‌وشو با این جام، بخشی از آیین‌های گذار نیز محسوب می‌شد؛ مثل حمام زایمان. (کتیرایی، ۱۳۷۸، ص ۸۲) بخت‌گشایی (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۴، ص ۴۵۶) و چله‌بری، (همان، ص ۳۹۱)

«علم‌داری» یا «قفل‌بندان»، چنان‌که پیش‌تر ذکر شد، از دیگر مناسک مرتبط با قفل بود که در روزهای تاسوعا و عاشورا در دوره‌های صفوی و قاجار رواج داشت. (تصویر ۴) در آیین قفل‌بندان، بعضی مناطق علاوه بر قفل، آویختن اشیاء دیگری از قبیل چاقو، خنجر، نعل اسب و گاهی آیینه‌های کوچک نیز رواج داشت. (فقیهی، ۱۳۷۸، ص ۳۴۹-۳۵۰) به این افراد «علم‌دار» نیز می‌گفتند؛ به این دلیل که آنها می‌خواستند با این کار، جراحی را نشان دهند که بر بدن علم‌دار کربلا حضرت عباس علیه السلام وارد شده بود. امروزه آیین قفل‌زدن منسوخ شده است.



تصویر ۴، دسته‌فقل‌بندان، دوره قاجار. مأخذ: (تناولی، ۱۳۸۶ الف، ص ۲۰).

ب. پیوست‌های روایی

بخشی از روش تحلیلی برای درک ساختار فرهنگ، توجه به روایت‌هاست؛ زیرا «کل فرهنگ به اسلوب روایت‌گری شکل گرفته است» (ریکور، ۱۳۸۶، ص ۵۶) و روایت نیز هم‌چون تاریخ، معناهای ضمنی چشم‌گیری دارد، بر این اساس، برخی از شاخص‌ترین روایت‌های مرتبط با فقل‌بدین شرحند:

- نجات‌بخشی یا ویرانی و تهدید (دوگانه خیر و شر): طبق باورهای عامه، فقل یک شیء فرهنگی است که بر مبنای شیوه کاربرد، با مفهوم دوگانه خیر و شر مرتبط بوده و به مثابه نوعی ابزار جادویی، در برخی از موقعیت‌ها مشکل‌ساز و در برخی از موقعیت‌های دیگر به واسطه اتصال به یک مکان یا شیء قدسی یا برخورداری از ویژگی‌های شکلی مشخصی هم‌چون: دارا بودن برخی ادعیه، خاصیت نجات‌بخشی داشته است. این گفتمان دوگانه، از طریق معناسازی در مناسک شکل گرفته است.

- رستاخیزی: استفاده از قفل در بخشی از آیین‌های گذار، مرسوم بوده است. آیین‌های گذار، بیان‌گر گذر انسان از یک موقعیت اجتماعی به موقعیتی دیگرند و فرآیندهای زیستی تولد، بلوغ، زناشویی و مرگ آدمی را شامل می‌شوند، (بیتس و پلاگ، ۱۳۷۵، ص ۶۷۹-۶۸۰) چنان‌که پیش‌تر توضیح داده شد، بستن یا باز کردن یک قفل یا گره و غسل کردن با جام چهل کلید، می‌توانست پایانی از یک مرحله از زندگی و ورود به مرحله‌ای دیگر را نشان دهد.

- تطهیر: درک مناسبات و پیوندهای بین رفتارهای مردم در مناسک و نمادهای به‌کاررفته در آن‌ها، موضوع دیگری است که در این مقوله می‌توان به آن توجه کرد. تناولی در کتاب قفل‌های ایران، به شرح رابطه معنادار میان قفل، ضریح و قفل‌بندان پرداخته است. وی آویختن قفل بر بدن را با قفل زدن به پنجره‌های ضریح و یا دخیل بستن بر نخل و عَلم بی‌ارتباط ندانسته و ضمن این‌که آن را نوعی ابراز هم‌دردی با شهیدان کربلا دانسته، از قفل‌بندان به مثابه نوعی عمل آیینی برای تطهیر جسم و تبدیل کردن آن به ضریح قدیسان یاد کرده است. (تناولی، ۱۳۸۶ الف، ص ۲۱)

- روایت‌گری فرهنگی: ویژگی‌های فرمی بسیاری از قفل‌ها چنان‌که بعداً شرح داده می‌شود، حامل معانی نمادین و اسطوره‌ای هستند که پیوندهای محکمی با پیشینه فرهنگی و تاریخی ایران دارند. قفل‌ها از این جهت، بازتاب‌دهنده باورهایی هستند که قرن‌های متمادی در اندیشه و اساطیر ایرانی تداوم یافته‌اند. قفل‌هایی به اشکال اژدها، شیر و خروس از این جمله‌اند.

علاوه بر آن می‌توان گفت که کاربرد قفل در مناسک و آیین‌های مذهبی، معانی و وزنی نمادین را به این اشیاء و رفتارهای متصل به آن مثل دخیل بستن بخشیده است. رفتارهایی که به صورت نوعی الگو و نمونه در عرصه اجتماعی بروز یافته و در گذر زمان، به علت استقبال مخاطبان مشروعیت یافته‌اند؛ مشروعیتی که در پیوند با مذهب و در قالب توسل به شخصیت‌ها، نمادها یا اذکار مذهبی به دست آمده است.

با در نظر گرفتن استفاده‌های مختلفی که تا این جا برای قفل ذکر شد، مشخص می‌گردد که قفل فقط یک شیء کاربردی نیست، بلکه یک شیء فرهنگی است که واسطه اتصال افراد و نیت‌های درونی‌شان با امر مقدس می‌گردد. از این رو، عرصه ظهور داستان‌ها و روایت‌ها نیز هست؛ داستان‌هایی که مشخص می‌کنند هر نماد کجا ظاهر شده و هر منسکی چگونه باید به جا آورده شود. پیوستگی بسیاری از این نقش‌ها با شخصیت‌های اساطیری و انتساب بسیاری از اعمال به افراد مقدس، ضمن تأکید بر صحت این روایت‌ها، نقش مؤثری در مشروعیت‌بخشی به این اعمال نیز ایفا می‌کند؛ هم‌چنین در افزایش ایمان معتقدان به اثربخشی مناسک مرتبط با قفل نیز نقش داشته؛ شائبه ابداعی بودن این مناسک را از میان برمی‌دارد؛ مثل قفل بلقیس سلیمان و چگونگی اثربخشی و مراسم استفاده از آن. (شاملو، ۱۳۷۷، ص ۵۳۴۵-۵۳۴۶: ذیل قفل بلقیس)

ج. ویژگی‌های نمادین و کدهای فرهنگی

قفل‌ها معمولاً از آهن یا برنج ساخته می‌شدند، هر چند در بعضی موارد، مصالح گران‌بهرتری هم چون طلا و نقره نیز برای ساخت آن‌ها به کار می‌رفت. ویژگی‌های فرمی قفل‌ها بسیار متنوع بود و اشکال مختلفی از فرم‌های جانوری، نقوش اسلیمی و گاه طرح‌های ابتکاری از اشیاء روزمره را دربرمی‌گرفت. هم‌چنین گاهی اوقات، متناسب با نوع کاربرد قفل برای اهداف خاص، نوشته‌هایی نیز بر روی قفل‌ها حک می‌شد.

۱. ویژگی‌های نمادین

نماد، یکی از مفاهیم دارای اهمیت در بررسی جایگاه فرهنگی اشیاء در نظام اندیشه و زندگی کاربران آن‌هاست. در تعریف گفته می‌شود که نماد «مظهر یا نشان ملموس است که به منظور نشان دادن واقعیتی مجرد یا فعل و انفعال اندیشه به کار می‌آید». (بیرو، ۱۳۷۰، ص ۴۸۴) گیرتز (۱۹۶۶) بر این باور بود که فرهنگ «الگویی از معانی است که در راستای تاریخ انتقال می‌یابد و از طریق نمادها تجسم پیدا می‌کند». (همیلتون، ۱۳۷۷،

ص ۲۷۳-۲۷۴) از نظر او، نمادها به دو شکل معنا را بازنمایی می‌کنند: اولین راه، بازنمایی آگاهانه است و همه ما معنای مورد نظر آن را می‌دانیم. روش دوم، بازنمایی از طریق «نمادهای پنهان» است؛ یعنی زمانی که افراد، گروه‌ها یا حتی جوامع نیز نمی‌دانند که یک نماد خاص نمایانگر چه چیزی است. روش بازنمایی این معانی پنهان از طریق ناخودآگاه است. به اعتقاد گیرتز، معانی فرهنگی عمدتاً از این دسته‌اند، یعنی غالباً پنهان و ناخودآگاهند.

بررسی ویژگی‌های فرمی قفل‌ها، نشان‌دهنده کاربرد بعضی از نمادهای کهن بر روی آن‌هاست. پیشینه ساخت چنین آثاری به سده‌های اولیه اسلامی برمی‌گردد. در این دوران، ساخت قفل‌هایی به شکل شیر و حیوانات اهلی مثل گاو، گاو میش، بز و نظایر آن رایج بود. (تناولی، ۱۳۸۶ الف) پس از دوره صفویه، نمادهایی مثل شیر، اژدها، پرنده، ماهی، اسب، بته و کشکول، گسترش بیشتری یافت. برخی از پرکاربردترین نمادهایی که در ساختار صوری قفل‌های دوره قاجار متداول بودند، بدین شرحند:

۱-۱. پرندگان

پرنده یکی از رایج‌ترین سمبل‌های تعالی است. سمبل‌های تعالی، کوشش انسان برای رسیدن به هدفی عالی را نمایان می‌سازند. این سمبل‌ها، وسیله‌ای را فراهم می‌آورند که با آن، محتویات ناخودآگاه وارد ذهن خودآگاه می‌شود و نیز خودشان نمایش فعالی از محتویات مذکور هستند. این سمبل‌ها با نجات انسان از هرگونه الگوی وجودی محدود کننده که ممکن است. ضمن حرکت وی به سوی یک مرحله عالی‌تر پدیدار شود، در ارتباطند. (یونگ، ۱۳۸۳، ص ۲۳۱) در فرهنگ ایرانی، پرندگانی هم‌چون: ققنوس و سیمرغ در این گروه قرار دارند. علاوه بر آن، شمار دیگری از پرندگان نیز در فرهنگ ایرانی، اسلامی-شیعی وجود دارند که دارای معانی خاصی هستند. تعدادی از قفل‌های دوره قاجار به شکل پرنده هستند که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱-۱-۱. خروس: برخی از قفل‌ها به شکل خروس ساخته می‌شدند. (تصویر ۵: الف)

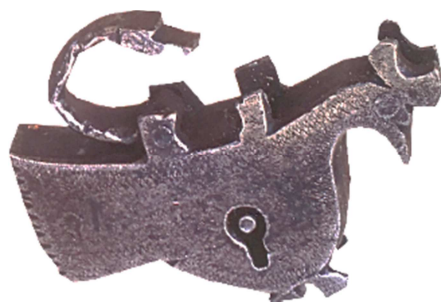
ایرانیان بانگ خروس را به وقت، خجسته می‌دانند و برآنند که در هر خانه‌ای که خروس باشد، دیو در آن خانه راهی ندارد. اما بانگ خروس را در شامگاه، بد می‌دانند. این باور در داستان زندگی کیومرث، از شاهان اساطیری ایران انعکاس یافته است. خروس در فرهنگ اسلامی نیز جایگاه خاصی دارد. بنابر روایتی، پیامبر ﷺ در شب معراج، خروس سفیدی را دیدند که پای آن بر طبقه هفتم زمین و سر آن بر طبقه هفتم آسمان بود. جبرئیل به پیامبر ﷺ گفت: «این خروس سپید است که هرگاه دو بال خویش باز کند و بانگ زند، جمله خروس‌های زمین نیز بانگ کنند». به این جهت پیامبر ﷺ وصیت کردند که خروس سپید دوست من است و شاید از این روست که عوام معتقدند خروس سفید را نباید کشت؛ زیرا او فرشته است. (یاحقی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۹-۱۸۰) تصویرگری این واقعه، از موضوعات مورد علاقه هنرمندان دوره قاجار است. نقش خروس در هنر اسلامی ایران پیشینه کهنی دارد، اما در مورد این‌که از چه زمانی ساخت قفل‌هایی به خروس گسترش یافت، اطلاع دقیقی در دست نیست.

۱-۱-۲. کبوتر: در بسیاری از فرهنگ‌ها و از آن جمله در فرهنگ ایران، از کبوتر به عنوان پیک نامه‌بر یاد شده است. در فرهنگ مردم، کبوتر به عنوان پرنده‌ای خوش یمن و مبارک شناخته می‌شود (یاحقی، ۱۳۷۵، ص ۳۴۶-۳۴۷) و در روایات اسلامی حضوری پررنگ دارد. نقل است که هنگام عزیمت پیامبر ﷺ و ابوبکر از مدینه، یک جفت کبوتر با لانه ساختن بر بالای مخفی‌گاه ایشان، موجب گم‌راهی تعقیب‌کنندگان شدند. کبوترها در سنت شیعی، محافظ اجساد شهدا و پیام‌آور خداوند هستند. به موجب چنین اهمیتی، کبوترها در زمره لوازم دسته‌های عزاداری محرم قرار دارند. (کلنبی و سانتو، ۱۳۹۴، ص ۱۳۵) در آیین‌های تعزیه دوره قاجار، استفاده از کبوتر در تعزیه حضرت علی اکبر علیه السلام به عنوان پیک نامه‌بر رایج بود. مستوفی در کتاب «شرح زندگانی من» به تفصیل، به شرح کیفیت و چگونگی اجرای تعزیه و باورهای مردم در این زمینه پرداخته است. (مستوفی، ۱۳۸۶، ص ۴۵۵) قدیم‌ترین قفل‌های به دست آمده به شکل کبوتر، دو عدد قفل

مربوط به قرن‌های یازده و دوازده میلادی (۵ و ۶ق) هستند. از دوره صفویه نیز چند نمونه قفل به شکل کبوتر باقی مانده، اما ساخت قفل‌های نقره‌ای به شکل کبوتر از موضوعات مورد علاقه قفل‌سازان دوره قاجار بود. (تصویر ۵: ب)

۱-۳-۱. هُدهُد: در فارسی به نام‌های پوپک، پوپو و شانسه سر هم معروف است و در قصص اسلامی بارها از آن یاد شده است؛ برای مثال، هُدهُد یک بار از جانب خداوند مأموریت یافت تخته‌سنگ عظیمی را که «عوج بن عنق» می‌خواست بر لشکر حضرت موسی علیه السلام بزند، سوراخ کرده، آن‌ها را از مرگ حتمی نجات دهد. نقش هُدهُد در داستان حضرت سلیمان علیه السلام و ملکه سبا نیز از مشهورترین روایت‌های مربوط به این پرنده است که در ادب فارسی بازتاب گسترده‌ای داشته است. (یاحقی، ۱۳۷۵، ص ۴۴۵) هم‌چنین هُدهُد در ادبیات عرفانی، رمز شیخ بوده و در منطق‌الطیر راهنمای مرغان برای رسیدن به سیمرغ است، (شمیسا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۱۱۲۴) (تصویر ۵: ج، نمونه‌ای از قفل‌هایی است که به نظر می‌رسد تصویر هُدهُد باشد. در مورد سابقه ساخت قفل به شکل هُدهُد اطلاعاتی در دست نیست. تناولی در کتاب قفل‌های ایران، به موضوع ساخت قفل‌هایی به شکل هُدهُد در سده‌های هفده تا نوزده میلادی (۱۱-۱۳ق) اشاره کرده و این گروه از قفل‌ها را ذیل عنوان کلی پرنندگان آورده است.

تصویر ۵: قفل‌هایی به شکل پرنندگان مختلف، مأخذ: (تناولی، ۱۳۸۶ الف: ۸۵ و ۱۴۷).



الف: قفل فولادی به شکل خروس، قرن ۱۲ و ۱۳ هـ



ب: قفل نقره به شکل کبوتر، قرن ۱۸ م. (۱۲هـ)



ج: قفل فولادی به شکل هدهد، قرن ۱۲ و ۱۳ هـ

۱-۲. ماهی

ماهی در روایات اسلامی به نحو مؤثری حضور دارد. بسیاری از مفسران قرآن، برآنند که مراد از «ن» که در آغاز سوره قلم آمده، ماهی‌ای است که جهان بر پشت اوست. از این رو، در شعر فارسی به روایت «ماهی زمین» اشاره شده است. دوازدهمین ماه سال نیز حوت (ماهی) نام دارد. بنابر آیات ۱۴۲ تا ۱۴۴ سوره صافات، حضرت یونس عَلَيْهِ السَّلَام را ماهی‌ای فروبلعید و چون خدای را تسبیح گفت، ماهی او را به ساحل افکند. (یاحقی، ۱۳۷۵، ص ۳۷۶-۳۷۷)

پژوهش‌گران بسیاری به ارتباط اسطوره‌های ماهی و خورشید در فرهنگ‌های مختلف اشاره کرده‌اند. شباهت شگفت‌انگیز داستان‌های رایج در فرهنگ‌های کهن سراسر دنیا و اسطوره‌های برخی از اقوام ابتدایی با داستان حضرت یونس و ماهی، توجه بسیاری از دین‌پژوهان را برانگیخته است. این اسطوره‌ها، بیان نمادینی از تقابل مرگ و ظلمت با

زندگی و نور هستند. (مختاریان و صرامی، ۱۳۹۳، ص ۷۶) ساخت قفل به شکل ماهی، پیشینه کهنی دارد و قدیم‌ترین نمونه به دست آمده مربوط به قرون اولیه اسلامی و احتمالاً دوره سلجوقی است. از سده‌های هشتم تا دهم میلادی، نیز قفلی به شکل ماهی باقی مانده، همین‌طور نمونه دیگری که مربوط به سده‌های چهارده تا شانزده میلادی (۸-۱۰ق) است. از دوره صفویه نیز قفل‌هایی به شکل ماهی موجود است، اما ساخت این‌گونه قفل‌ها در دوره قاجار گسترش یافت. (تصویر ۶)

تصویر ۶: قفل‌هایی به شکل ماهی، مأخذ: (تناولی، ۱۳۸۶ الف، ص ۸۸ و ۱۰۰)



تصویر الف: قفل فولادی به شکل ماهی، قرن ۱۲ و ۱۳ هـ.



تصویر ب: قفل برنجی به شکل ماهی، قرن ۱۳ هـ.



تصویر ج: قفل برنجی به شکل ماهی، قرن ۱۳ هـ.

۱-۳-۳. سایر حیوانات

۱-۳-۳-۱. شیر: نقش شیر یکی از پرتکرارترین نقوش در هنر ایران پیش و پس از اسلام است. این نقش به تنهایی و یا همراه با خورشید، پس از اسلام دارای معانی مذهبی است. نقش شیر در بسیاری از این آثار، نماد حضرت علی علیه السلام است. (خزایی، ۱۳۸۰) یکی از القاب حضرت علی علیه السلام، اسدالله بود. با روی کار آمدن صفویان، نقش شیر به نمادی ملی و مذهبی تبدیل شد و در دوره قاجار گسترشی دوچندان یافت. شیر در فرهنگ شیعی، جزء حیواناتی است که دمخور امامان می‌شوند؛ از جمله شیری که حضرت علی علیه السلام را از غرق شدن در آب نجات داد و در روز عاشورا در کنار پیکر بی‌جان شهدای کربلا حاضر شد و به عزاداری پرداخت. (تناولی، ۱۳۸۶، ب، ص ۸۸) تناولی در کتاب قفل‌های ایران، نمونه‌های زیادی از قفل‌ها را نشان داده که به شکل شیر است. یکی از این نمونه‌ها در تصویر ۷ آمده است.

۱-۳-۳-۲. اژدها: مطابق روایات و آنچه در قرآن مجید آمده است (اعراف: ۱۱۷ و شعراء: ۴۵)، هنگامی که حضرت موسی علیه السلام به امر خداوند عصایش را بر زمین انداخت، عصا به صورت اژدها درمی‌آید و سحر ساحران را فرو می‌خورد. (یاحقی، ۱۳۷۵، ص ۷۵-۷۷) روایت‌هایی در مورد حضرت علی علیه السلام و اژدها نیز وجود دارد. (نایب‌زاده و سامانیان، ۱۳۹۵) نقش اژدها از نقوش متداول در علم‌های دوره صفوی و قاجار است. گویا ساخت قفل به شکل اژدها، قبل از دوره قاجار چندان متداول نبوده و نمونه‌ای از آن، در دست نیست. قفل‌های موجود با ظاهر اژدها، به سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی تعلق دارند. (تصویر ۷: ب)

۱-۳-۳-۳. اسب: در اندیشه اقوام هندو اروپایی، از اسب به عنوان نشانه ویژه ایزد آفتاب، ایزد ماه و ایزد باد سخن رفته و نام بسیاری از پادشاهان اسطوره‌ای ایران مثل گرشاسپ، ارجاسپ و گشتاسپ نیز با واژه اسب پیوند یافته است. با توجه به اسطوره‌های آفرینش، اسب به مفهوم هستی، ستاره‌ای از ستارگان رونده، برج نهم سال و فرشته گردونه‌کش

خورشید نیز آمده است. در روایات اسلامی، به اسب‌هایی با ویژگی‌های شبه‌اساطیری اشاره شده مثل بُراق اسب حضرت رسول ﷺ، دُلْدُل اسب حضرت علی عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ و ذوالجناح اسب حضرت سیدالشهدا عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. در فرهنگ ایران، فراست، تیزهوشی و تیزگوشی اسب زبانزد است. (یاحقی، ۱۳۷۵، ص ۷۸-۸۰) در مراسم روز عاشورا، تصویر اسب ذوالجناح از پرتکرارترین نمادهای مذهبی است. از اوایل دوران اسلامی، ساخت قفل‌هایی به شکل اسب متداول بود که در دوره‌های صفویه و قاجار نیز ادامه یافت. (تصویر ۷: ج)

تصویر ۷: قفل‌هایی به شکل شیر، اژدها و اسب

مأخذ: الف (خلیلی، ۱۳۸۷، ص ۲۷۶). ب و ج (تناولی، ۱۳۸۶ الف، ص ۸۹ و ۹۶).



تصویر الف: قفل مسی به شکل شیر، قرن ۱۴ هـ.



تصویر ب: قفل فولاد به شکل اژدها، قرن ۱۳.



تصویر ج: قفل برنجی به شکل اسب، قرن ۱۹م.

۲. کدهای فرهنگی

میزان بسامد کدهای فرهنگی در هر بخش از فرهنگ، نشان‌دهنده اهمیت آن کدها در قیاس با سایر موارد است. به جز نمادها، کدهای به‌کاررفته بر روی قفل‌ها، بیش‌تر نوشتاری هستند. نوشته‌های اعتقادی، ادبی، حروف و علائم طلسمی، از متداول‌ترین کدهای مورد استفاده به‌شمار می‌آیند.

گرایش به طلسم و دعا در جامعه ایرانی عصر قاجار، عمومی و گسترده بود و بهره‌گیری فراوان از انواع طلسمات، تعویذها و حتی توسل به جادو، از اصلی‌ترین و مهم‌ترین نمودهای این تمایل به‌شمار می‌رفت. طلسم‌ها و تعویذها، انواع بسیار گوناگونی داشته و از مواد مختلفی ساخته می‌شدند. (بلوکباشی، ۱۳۸۱: ذیل باطل‌السحر) بر روی بسیاری از قفل‌های به‌دست‌آمده از دوره قاجار، ادعیه اسلامی، شیعی و اشعار فارسی به چشم می‌خورد. ظاهراً سابقه حکاکی کردن اشعار و عبارات مذهبی بر روی قفل‌ها نیز هم‌چون حکاکی بر سایر اشیاء، به قرون اولیه اسلامی برمی‌گردد. یکی از قدیم‌ترین نمونه‌های به‌دست‌آمده در این زمینه، قفلی است مربوط به سده‌های دهم و یازدهم میلادی (۴ و ۵ ق) که به شکل گاو ساخته شده و بر پهلویش آن کلمه «الله» حک شده است. (رک: تناولی، ۱۳۸۶ الف) از دوره صفویه نیز قفل‌هایی به‌دست آمده که بر روی آن‌ها کلمات، ادعیه و آیات قرآنی حک شده است. یکی از متداول‌ترین نوشته‌ها در این دوران، آیه ۱۳ سوره صف: «نَصْرٌ مِّنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ خَيْرًا» (تصویر ۸) و عبارت «عاقبت به خیر باد» است. (تصویر ۹) نوشتن اشعار فارسی در کنار شعارهای اسلامی نیز رایج بود؛ مثل تصویر ۱۰ که عبارت: «گشاده باد به دولت همیشه این درگاه» بر روی قفل نوشته شده و در طرف دیگر آن «به حق اشهد ان لا اله الا الله» حکاکی شده است. (تناولی، ۱۳۸۶ الف، ص ۱۰۶)



تصویر ۹: قفل برنجی، قرن ۱۷ و ۱۸ م؛
مأخذ: (تناولی، ۱۳۸۶ الف، ص ۱۰۹).

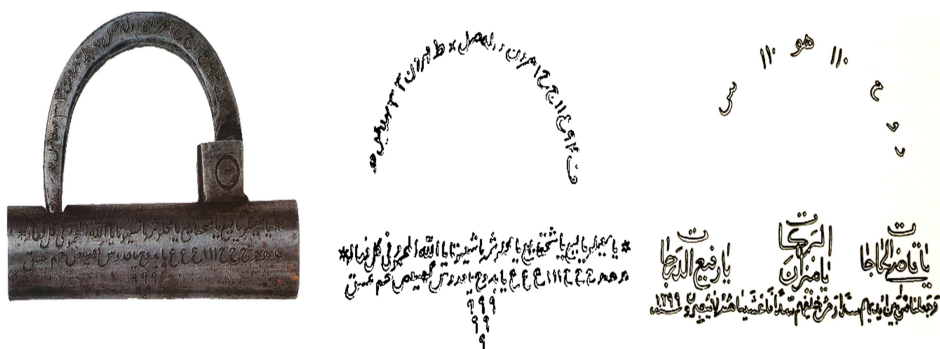


تصویر ۸: قفل فولادی، قرن ۱۷ و ۱۸ م؛
مأخذ: (تناولی، ۱۳۸۶ الف، ص ۱۰۷).



تصویر ۱۰: قفل فولادی، قرن ۱۶ و ۱۷ م؛
مأخذ: (تناولی، ۱۳۸۶ الف، ص ۱۰۷).

سنت کتیبه‌نویسی عبارات مذهبی در دوره قاجار نیز تداوم یافت. قفل شماره ۱۱ نمونه‌ای از این قفل‌هاست. این قفل حاوی کتیبه‌ای عربی مشتمل بر آیه قرآنی، ادعیه، حروف و تاریخ است. سه عبارت «یا قاضی الحاجات»، «یا میزان البرکات» و «یا رافع الدرجات» به خط ثلث در بالا و بخشی از آیه ۹ سوره یاسین به عبارت «وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَّا يَبْصُرُونَ» (و پیش روی آنان حایل و سدّی و پشت سرشان نیز حایل و سدّی قرار دادیم و به طور فراگیر آنان را پوشاندیم، پس هیچ چیز را نمی‌بینند) که برای مخفی ماندن از دید دشمن بسیار مجرب است، همراه با تاریخ «سنه ۱۲۹۹» در یک طرف قفل حک شده است. در سوی دیگر قفل، در دو سطر و چهار عبارت، کتیبه‌ای نوشته شده است. سه عبارت حامل ذکرهای نامعین و عبارت چهارم «یا الله المحمد فی کلّ فعّالیه» است که برای برآورده شدن حاجت کاربرد دارد. سطر دوم حاوی علائم نمادین و اذکار است که حروف مقطعه آغازین سوره مریم از آن جمله‌اند.



تصویر ۱۱: قفل فولادی با ادعیه و آیه قرآنی، قرن ۲۰: مأخذ: (خلیلی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۸-۲۶۹).

قفل شماره ۱۲ نیز نمونه دیگری از این‌گونه قفل‌هاست که مربوط به اواخر قرن نوزده میلادی (۱۳ ق) بوده و بر روی آن، این عبارات درج شده است: «خان بن خان شهنشاه شهنشاه نژاد آن‌که ... جان جهانش خوانی» «الله، محمد، فاطمه، حسن، حسین». آیه قرآنی ۵۱ سوره قلم «وَإِن يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ» که به آیه چشم‌زخم نیز مشهور است (قفل شماره ۱)، بر روی قفل‌هایی که بدین منظور تهیه می‌شدند، نوشته می‌شد. قفل شماره ۱۳ نمونه‌ای از قفل‌هایی است که برای اماکن مقدسه شیعی طراحی شده و عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم / هست کلید در گنج حکیم» بر روی آن نوشته شده است.



تصویر ۱۲: قفل فولادی، قرن ۲۰: مأخذ: (تناولی، ۱۳۸۶ الف، ص ۱۱۴).



تصویر ۱۳: قفل فولادی، احتمالاً قرن ۱۹؛
مأخذ: (خلیلی، ۱۳۸۷، ص ۲۶۹).

قفل‌های دیگری نیز در کنار این نمونه‌ها وجود دارند که معمولاً حاوی آیات قرآنی و عبارات اسلامی هستند. این قفل‌ها، علاوه بر دارا بودن علایم و نشانه‌های طلسمی، دارای نشانه‌های اسلامی نیز هستند؛ مثل عبارت «بسم الله الرحمن الرحيم» بر روی قفل شماره ۱۴.



تصویر ۱۴- قفل برنجی با شکلی انتزاعی، قرن ۱۹؛ مأخذ: (تناولی، ۱۳۸۶ الف).

جدول ۱: پیوست‌های روایی، نمادین و کُدها (از میان ۳۰ نمونه مورد بررسی) (مأخذ: نگارندگان)

پیوست‌های فرهنگی		نمودها و نمونه‌ها					
۱	روایت‌ها	۱. نجات‌بخشی یا ویرانی (دوگانه خیر و شر) ۲. رستاخیزی ۳. تطهیر ۴. روایت‌گری فرهنگی.					
۲	نمادها	پرنده‌گان					
		ماهی‌ها					
		حیوانات					
۳	کُدهای فرهنگی	نوشته‌های دینی و ادبی					
		علائق و حروف					

نتیجه

نتیجه این بررسی، نشان از تأثیر مستقیم اعتقادات اسلامی و مذهب تشیع بر شیوه کاربرد قفل‌های دوره قاجار دارد. پیوستگی مذهب تشیع با قفل‌های دوره قاجار در سه بُعد فرهنگی، پیوست‌های روایی، ویژگی‌های نمادین و کدهای فرهنگی قابل ملاحظه است. بسیاری از قفل‌ها در این دوره شکل نمادین دارند. این نمادها اغلب در شکل‌های جانوری و اساطیری نمودار است. بیش‌ترین نوع کاربرد به نمادهای جانوری مربوط می‌شود. باید گفت: پیوستگی این معانی با ذهن و زندگی مردم که از فرهنگ ایرانی - اسلامی سرچشمه می‌گیرد، به طراحی و ساخت اقسام قفل‌ها منطبق با باورهای دینی، مذهبی و عامیانه انجامیده است. نیز بر روی تعداد زیادی از قفل‌های دوره قاجار، کدهای فرهنگی می‌توان مشاهده کرد که شامل مجموعه‌ای از نوشته‌های اسلامی، شیعی، ادبی و طلسم‌ها هستند. این کدها با باورداشت مردم در خصوص استفاده از آثار معنوی این آیات، اذکار و اوراد ارتباط مستقیم دارد. باید گفت: در فرهنگ شیعی دوره قاجار، ارتباط بین قفل با مکان‌ها و اشیاء مقدس به‌طور مداوم تکرار می‌شود؛ شیئی که از جایگاه ناسوتی به عالم لاهوتی پیوند یافته است.

فهرست منابع

۱. آبادیان، حسین، «تحول مفاهیم شیعی در دوره قاجار»، شیعه‌شناسی، ش ۲۹، ۱۳۸۹.
۲. افشار، ایرج، «فتوت‌نامه آهنگران»، اطلاعات حکمت و معرفت، سال ۵، ش ۱۲، ۱۳۸۹.
۳. بیتس، دانیل و پلاگ، فرد، انسان‌شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۸۵.
۴. بیرو، آلن، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان، ۱۳۷۰.
۵. بلوکباشی، علی، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، به سرپرستی کاظم بجنوردی، ج ۱۱، تهران: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۱.
۶. تناولی، پرویز، قفل‌های ایران، تهران: نشر بن‌گاه، ۱۳۸۶ الف.
۷. تناولی، پرویز، طلسم گرافیک سنتی ایران، تهران: نشر بن‌گاه، ۱۳۸۶ ب.
۸. خزایی، محمد، «نقش شیر نمود امام علی علیه السلام در هنر اسلامی»، کتاب ماه هنر، ش ۳۱ و ۳۲، ۱۳۸۰.
۹. خلیلی، ناصر، ابزارآلات علمی (جلد یازدهم از مجموعه هنر اسلامی، ویراستار انگلیسی: دکتر جولیان رابی، ویراستار فارسی: ناصر پورپیرار، ترجمه غلامحسین علی‌مازندرانی، تهران: کارنگ، ۱۳۸۷).
۱۰. دورکیم، امیل، صور بنیانی حیات دینی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۳.
۱۱. ریکور، پل، زندگی در دنیای متن: شش گفت‌وگو، یک بحث، ترجمه بابک احمدی، تهران: مرکز، ۱۳۸۶.
۱۲. شاملو، احمد باهم‌کاری آیدا سرکیسیان، کتاب کوچه، حرف ب، دفتر اول، تهران: مازیار، ۱۳۷۷.
۱۳. شمیسا، سیروس، فرهنگ اشارات ادبیات فارسی، ج ۲، تهران: فردوس، ۱۳۷۷.
۱۴. صفت‌گل، منصور، ساختار، نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی، تهران: رسا، ۱۳۸۱.
۱۵. فخرالدین اسعد گرگانی، ویس و رامین، تصحیح ماگالی تودوا و الکساندر گواخاریا، تهران: بنیاد فرهنگ، ۱۳۴۹.
۱۶. فخرایی، سیروس، «تفکر جامعه‌شناختی جفری الکساندر»، جامعه‌شناسی، سال اول، ش ۴، ۱۳۸۸.

۱۷. فقیهی، علی اصغر، تاریخ مذهبی قم، چاپ دوم، قم: زائر، ۱۳۷۸.
۱۸. کتیرایی، محمود، از خشت تا خشت، تهران: نشر ثالث، ۱۳۷۸.
۱۹. کلنبی، بلا و ایوان سانتو، هنر ایران عصر قاجار در مجموعه‌های مجارستان (۱۲۱۰-۱۳۴۳)، ترجمه طاهر رضازاده، تهران: متن، ۱۳۹۴.
۲۰. مختاریان، بهار و عارفه صرامی، «تحلیل ساختاری دوگانگی نماد دو ماهی»، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره ۴، ش ۲، ۱۳۹۳.
۲۱. مستوفی، عبدالله، شرح زندگانی من؛ تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، تهران: هرمس، ۱۳۸۶.
۲۲. مشهدی نوش‌آبادی، محمد، تصوف ایرانی و عزاداری عاشورا، اصفهان: آرما، ۱۳۹۶.
۲۳. موسوی بجنوردی، کاظم، دانش‌نامه فرهنگ مردم ایران، ویراستاران: اصغر کریمی و محمد جعفری، ج ۲، تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۲، ۱۳۹۳ و ج ۳، ۱۳۹۴.
۲۴. نایب‌زاده، راضیه و سامانیان، صمد، «بررسی تأثیر تفکرات شیعی در کاربست نقش اژدها در آثار هنری ایران»، نگره، ش ۴۰، ۱۳۹۵.
۲۵. هال، جان. آر و مری جونیتس، فرهنگ از دیدگاه جامعه‌شناختی، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: سروش، ۱۳۹۰.
۲۶. هدایت، صادق، فرهنگ عامیانه مردم ایران، تهران: چشمه، ۱۳۷۸.
۲۷. همیلتون، ملکم، جامعه‌شناسی دین، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: تیان، ۱۳۷۷.
۲۸. یاحقی، محمدجعفر، فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی، تهران: سروش، ۱۳۷۵.
۲۹. یونگ، گوستاو، انسان و سمبول‌هایش، ترجمه محمود سلطانیه، تهران: جامی، ۱۳۸۳.
30. Alexander, Jeffrey C. & Philip Smith, 1993, 'The Discourse of American Civil Society: A New Proposal for Cultural Studies', Theory & Society 22(2): 151-207.
31. Alexander, Jeffrey & Philip Smith, 2006, 'Strong Program in Cultural Sociology: Elements of Structural Hermeneutics'; in Jeffrey C. Alexander,

The Meanings of Social Life: a Cultural Sociology, Oxford and New York: Oxford University Press: 11-26.

32. Khosronejad, Pedram (2012), the art and Material Culture of Iranian Shiism Iconography and Religious Devotion in Shi Islam, London: I.B Tauris.

33. Taylor, Edward, 1985, Primitive Culture, New York: Harper & Row.

34. Woodward, Ian, 2007, Understanding material culture, Sage publications, London.